

گزارش سه فقره آرا هیأت عمومی دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز

● اشاره:

به دلیل افزایش شعب دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز در سال ۸۱ و صدور آرا متهاافت توسط شعب، تشکیل جلسات ماهانه که در آن اعضای شعب، در مواردی که رویه‌های مختلف اتخاذ شده است به بحث و تبادل نظر پردازند، ضروری به نظر می‌رسید. به همین جهت مقدمات تشکیل این جلسات در ابتدای سال ۸۲ تحت عنوان «جلسات هیأت عمومی دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز» فراهم گردید. در این جلسات که هر بار ریاست آن را یکی از رؤسای شعب به عهده دارد، به همان روش که در هیأت عمومی دیوانعالی کشور متداول است، ابتدا دادستان انتظامی کانون، گزارش کوتاه از پرونده‌هایی که در آنها، شعب مختلف دادگاه انتظامی راجع به موضوع واحد، آرا متهاافت صادر کرده‌اند به هیأت ارایه می‌دهد و نظر دادرسان نیز در مورد آرا مزبور ابراز می‌دارد. پس از بحث و مذاکره پیرامون آرا متهاافت که در برخی موارد به دلیل لزوم ادامه مذاکرات، جلسات هیأت تا چند نوبت نیز تجدید می‌گردد، سرانجام با اعلام کفایت مذاکرات توسط رییس جلسه، هیأت با رأی‌گیری از اعضای حاضر در جلسه، نظر خود را در موضوع مورد اختلاف اعلام می‌کند. هر چند رأی هیأت عمومی دادگاه انتظامی کانون وکلا مانند رأی هیأت عمومی دیوانعالی کشور که به استناد ماده واحد قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ صادر می‌شود، برای شعب دادگاه‌های انتظامی کانون لازم‌الاجرا نیست، لیکن دیدگاه‌ها و نظرات موافق و مخالفی که در این جلسات ابراز می‌گردد و تأثیر آن در رأی نهایی هیأت، موجب می‌گردد شعب دادگاه‌ها در آراء بعدی خود در موارد متشابه با دید جامع‌تر و کامل‌تری به موضوع بنگرند که برآیند آن نزدیک شدن آراء شعب به هم در موارد مشابه است. در این جلسات دادیاران دادرسان به عنوان ناظر حضور می‌یابند که در مذاکرات و بیان نظرات مانند اعضای دادگاه شرکت

می‌کنند، لیکن در رأی‌گیری مشارکت ندارند. این قبیل جلسات در روزهای یکشنبه آخر هر ماه ساعت ۱۱/۵ صبح در تالار اجتماعات کانون تشکیل می‌گردد و حضور سایر همکاران در آنها به عنوان ناظر بلامانع است. ذیلاً گزارش مربوط به سه رأی متهافت را که مربوط به موارد زیر است:

۱- مجازات انتظامی کارآموزان وکالت

۲- منع تبلیغ وکیل دادگستری

۳- حدود تأثیر احکام جزائی مراجع قضائی در آرا دادگاه انتظامی کانون وکلای درج می‌گردد. امید است با طرح این مسائل، مباحث مربوط به آیین‌نامه تخلفات انتظامی که تاکنون جزو ابواب متروک آیین دادرسی بوده است از حاشیه به متن کشانده شود.

الف) گزارش مربوط به دو رأی متهافت در مورد مجازات انتظامی کارآموزان وکالت

نظرات دادسرای انتظامی کانون وکلای دادگستری تهران نسبت به دو رأی متهافت صادر شده از دو شعبه دادگاه انتظامی کانون

● مقدمه: دو رأی مورد نظر در پرونده‌های انتظامی کلاسه ۱۹۹/۸۱ و ۱۹۱/۷۹ صادر شده است که مشتکی عنه هر دو پرونده کارآموز وکالت بوده‌اند و وجوه مشترک پرونده‌ها این است که در هر دو، تخلف موضوع قسمت اخیر بند ۱ ماده ۸۰ آیین‌نامه لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری (مصوب ۱۳۳۴/۹/۴) به عنوان اعمال رفتار خلاف شئون وکالت مطرح گردیده است و دادگاه‌های صادرکننده حکم، موجبی برای اعمال تخفیف احراز نکرده‌اند.

نکته‌ای که قبل از اعلام نظر دادسرا می‌باید به آن اشاره شود این است که اساساً در مورد کارآموزان وکالت، مجازات‌های تنزیل درجه، (بند ۴ ماده ۷۶) ممنوعیت از سه ماه تا سه سال (بند ۵ ماده ۷۶) و محرومیت دائم از شغل وکالت (بند ۶ ماده ۷۶) (اشعاری) قابلیت اعمال ندارد. به همین جهت قبل از تصویب قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت (۷۶/۱/۱۷) شعب دادگاه انتظامی وکلا، تخلفات کارآموزان را عموماً با بند ۳ ماده ۷۶ منطبق می‌کردند. لیکن با تصویب قانون موصوف این محدودیت

منتفی گردیده و در مواردی که تخلفات کارآموزان مستوجب مجازات‌های درجه ۴ به بعد باشد و دادگاه رسیدگی کننده تخفیف را هم قابل اعمال نداند به دلیل غیرقابل اعمال بودن مجازات‌های موصوف با وضعیت کارآموزان، مورد را با تبصره ۳ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت مصوب ۷۶/۱/۱۷ منطبق می‌کنند و این تصمیمی است که دادگاه انتظامی کانون در پرونده کلاسه ۱۹۱/۷۹ اتخاذ کرده است.

دادسرای انتظامی کانون وکلای مرکز تصمیم متخذه در پرونده انتظامی کلاسه ۱۹۱/۷۹ را که درخصوص مورد مبادرت به اعلام بطلان پروانه کارآموز کرده است منطبق با مقررات و قانون تشخیص می‌دهد و رأی صادره در پرونده انتظامی کلاسه ۱۹۹/۸۱ قابل دفاع به نظر نمی‌رسد زیرا:

۱. مجازات باید در زمان انشا رأی با وضع موجود متخلف متناسب بوده و در همان زمان هم قابل اجرا باشد.

۲. مجازات انتظامی نوعاً جنبه انضباطی دارد و در صورتی مؤثر است که علاوه بر قابلیت اعمال، معلق به امر دیگری نشود.

۳. رأی انتظامی صادره در پرونده انتظامی کلاسه ۱۹۹/۸۱ واجد هیچ یک از دو خصوصیت ذکر شده نیست به علاوه دو ایراد اصولی بر آن وارد است.

الف) کارآموز متخلف تا زمان قبولی در اختبار کارآموزی و مالاً امکان تحصیل پروانه وکالت عملاً از مجازات انتظامی معاف گردیده است.

ب) تعلیق اجرای مجازات به قبولی در اختبار (تنزل درجه) این خصوصیت را هم در بطن خود دارد که در صورت انصراف کارآموز از ادامه کارآموزی، اجرای مجازات سالبه بانتهای موضوع است.

اولین جلسه هیأت عمومی دادگاه‌های انتظامی کانون مورخ ۲۵ خرداد ۸۲ تشکیل گردید. پس از انتخاب آقای شفیع نسب لنگرودی به عنوان رییس جلسه، به اتفاق آراء، نماینده دادسرا گزارش مربوط به آراء متهاافت را قرائت کرد و پس از بحث و مذاکره پیرامون آراء متهاافت موضوع دستور جلسه، هیأت عمومی به شرح زیر با اکثریت قریب به اتفاق مبادرت به صدور رأی کرد:

● رأی هیات عمومی

چنانچه در صدور رأی موضوع پرونده کلاسه ۱۹۱/۷۹ رعایت تشریفات مندرج در تبصره ۳ ماده ۶ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت گردیده باشد رأی شعبه صحیحاً صادر گردیده و مورد تأیید این هیات می‌باشد.

ب) منع تبلیغ توسط وکیل دادگستری

هیات عمومی محترم دادگاه‌های انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز

با احترام:

در اجرای تصمیم مورخ ۸۲/۴/۲۹ هیات عمومی مبنی بر جمع‌آوری بخشنامه‌ها و دیگر نظامات کانون در خصوص تبلیغ، اینک دستورالعمل‌ها و مصوبات هیات مدیره کانون در این ارتباط با رعایت تقدم تاریخی آنها به شرح زیر به استحضار می‌رسد:

۱. بخشنامه شماره ۱۶۵ مورخ ۶۸/۱/۱۶

پس از انتشار این بخشنامه، تبلیغ از طریق انتشار اوراق و اعلام آگهی از طریق مطبوعات تخلف از نظامات کانون محسوب می‌شود.

● توضیح: موضوع کیفیت ابلاغ بخشنامه به وکلا مشخص نیست اما از استناد شعبه دوم دادگاه انتظامی در پرونده کلاسه ۱۶۹/۷۵ به آن، به دلالت التزام می‌توان بر این باور بود که آن دادگاه محترم، ابلاغ آن را صحیحاً به وکلا احراز کرده است.

۲. بند ۴ جلسه شورای هماهنگی کانون وکلای دادگستری مورخ ۷۹/۲/۱۵

ذکر عناوین و تخصص‌ها و سوابق شغلی در تابلوها و یا سرکاغذهای آقایان وکلا نوعی تبلیغ محسوب می‌شود و لذا تخلف انتظامی محسوب می‌گردد لذا وکلا غیر از عنوان وکالت و مشاوره حقوقی در تابلوها و سرکاغذها نباید درج کنند.

● توضیح: این مصوبه در نشریات کانون منتشر نشده است.

۳. بند ۴ مصوبه شورای هماهنگی کمیسیون‌های کارآموزی کانون‌های وکلا مورخ ۷۹/۶/۲۴ کارآموزان وکالت دادگستری در سرفصل مکاتبات و اوراق و کارت‌های متعلق به خود منحصرأ می‌تواند از نام و نام‌خانوادگی خود و کلمه کارآموز وکالت استفاده می‌کند و از استفاده از هر عنوان علمی و غیر آن ممنوع هستند.

● توضیح: این مصوبه در نشریات کانون منتشر نشده است.

۴. بخشنامه سال ۷۹ نایب رییس وقت کانون مرکز تحت عنوان

در خصوص همکاری وکلا با مؤسسات غیرقانونی و تبلیغ در مورد وکالت

به قرار اطلاع واصله برخی از همکاران با درج آگهی در جراید در مورد ارائه خدماتی نظیر قبول وکالت در دعاوی با مشاوره حقوقی یا تنظیم قرارداد یا ثبت شرکت‌ها و تغییرات و غیره تبلیغ کرده و با مؤسسات غیرقانونی همکاری می‌کنند، از آنجایی که اقدام فوق از مصادیق بارز بند ۳ از ماده ۸۰ ناظر به ماده ۷۶ آیین‌نامه لایحه استقلال کانون وکلا و تخلف انتظامی محسوب می‌گردد، لذا از همکاران درخواست می‌شود که از اقدام فوق جداً پرهیز کنند.

● توضیح: این بخشنامه در شماره ۱۷۱ مجله کانون به چاپ رسیده است.

۵. مصوبه مورخ ۷۹/۷/۱۸ هیأت مدیره کانون

وکلا دادگستری در سرنامه‌ها و اوراق خود فقط به استفاده از عنوان وکیل دادگستری یا پایه آن مجاز می‌باشند. لذا اضافه کردن القابی از قبیل عضو هیأت علمی دانشگاه، قاضی سابق دیوانعالی کشور، قاضی بازنشسته، وکالت در دعاوی بین‌المللی، جزایی، حقوقی، ثبتی، عمرانی، شهرداری و خانوادگی و غیره، استاد دانشگاه، دکترا (در صورتی که مدارک دکتری در پرونده کانون نداشته باشد) نوعی تبلیغ و خلاف شأن وکالت است.

● توضیح: این مصوبه در نشریات کانون چاپ نشده است.

با بیان سابقه موضوع در مصوبات هیأت مدیره کانون و سایر ارگان‌های مرتبط با آن، وجوه مشترکی که دو رأی متهافت موضوع پرونده‌های کلاسه ۱۶۹/۷۵ و ۴۶۲/۷۱ با

هم دارند و بحث پیرامون آنها در دستور جلسه امروز مورخ ۸۲/۶/۳۰ هیأت عمومی محترم قرار گرفته است به شرح زیر است:

۱. بخشنامه شماره ۱۶۵ مورخه ۶۸/۱/۱۶ کانون با این عبارت (پس از انتشارات این بخشنامه تبلیغ از طریق انتشار اوراق و اعلام آگهی از طریق مطبوعات تخلف از نظامات کانون محسوب می‌شود) در زمان صدور هر دو رأی حاکمیت داشته است زیرا تاریخ صدور رأی در پرونده‌های کلاسه ۴۶۲/۷۱ و ۱۶۹/۷۵ به ترتیب ۷۳/۴/۳ و ۷۶/۴/۱۹ بوده است.

۲. موضوع اعلام تخلف دادرسی نسبت به وکلای تحت تعقیب نیز کاملاً مشابه یعنی انتشار آگهی قبول وکالت، در روزنامه بدون ذکر نام و با قید شماره تلفن بوده است. قبل از اعلام نظر دادرسی نسبت به آرا متهافت موضوع بحث، ذکر این نکته ضروری است که حتی قبل از صدور بخشنامه شماره ۱۶۵ نیز امر تبلیغ برای وکیل دادگستری از طریق انتشار آگهی در روزنامه و اوراق چاپی، در بین وکلا به عنوان یک عرف خاص، امری مذموم بوده است و این امر هر چند در آرا دادگاه‌های انتظامی ما، مجال تبلور پیدا نکرده است ولی در محافل حقوقی تبلیغ وکیل دادگستری حتی رفتار خلاف شأن تلقی می‌شده است.

شاید صدور بخشنامه شماره ۱۶۵ کانون، از یک طرف در مقام تأیید این عرف خاص و پر کردن خلاء قانونی موجود در این ارتباط و از طرف دیگر به منظور تعدیل نظرات سخت‌گیرانه‌ای که امر تبلیغ را منطبق با بند یک ماده ۸۰ آیین‌نامه تخلف انتظامی می‌دانسته‌اند، صادر شده است.

گفتنی است که از نظر تطبیقی نیز بین سیستم‌های مختلف حقوقی راجع به موضوع تبلیغ وحدت نظر وجود ندارد. در نظام حقوقی کامن لو مخصوصاً امریکا که هر کالا و خدمتی، ارزش اقتصادی دارد و درجه اعتبار و مفید بودن هر پدیده‌ای با این ضابطه سنجیده می‌شود، چون تبلیغ وسیله‌ای برای رقابت در تجارت تلقی می‌گردد. بنابراین خدمات حقوقی نیز به عنوان یک کالای اقتصادی قابل رقابت، می‌تواند موضوع امر تبلیغ قرار گیرد. به همین دلیل در برنامه‌های تلویزیونی، در مجلات و دفاتر تلفن ایالات مختلف این کشور آگهی‌های تبلیغاتی برای وکلا در کنار انواع و اقسام کالاهای تجاری،

پخش و چاپ می شود.

برعکس، در نظام حقوقی فرانسه، تلقی اقتصادی داشتن از بعضی مشاغل را دون شأن آنها و حتی باعث تخفیف منزلت اجتماعی این مشاغل می شمارند، به همین دلیل تبلیغ را برای مشاغلی که بستر پیدایش آنها از نظر تاریخی، ارزش های والای اخلاقی و انسانی بوده است مانند طبابت و وکالت، امری مغایر با شرافت این حرفه ها می دانند.

به نظر می رسد پیشکسوتان وکالت در ایران نیز به همین نظر تأسی جسته اند و در مذموم دانستن تبلیغ، تردید به خود راه نداده اند، شاید به این دلیل بوده است که در گذشته های نه چندان دور، همکارانی که قصد مطرح ساختن خود را در سطح جامعه داشتند، برای گریز از مذمت اخلاقی تبلیغ، با این پوشش که دفتر وکالت یا شماره تلفن آنها تغییر یافته است، اقدام به انتشار آگهی تغییر محل و تغییر شماره تلفن می کردند.

مفهوم تصمیم مورخ ۸۱/۳/۸ هیأت مدیره در شصت و سومین جلسه خود که به موجب آن، (تبلیغ از طریق اینترنت را به صورت دادن اسم، شماره تلفن و نشانی و اعلام تغییر آن بلامانع دانسته است و نیز اجازه داده شده است که سابقه و تاریخچه کانون وکلا و کل اسامی وکلا از طریق اینترنت اعلام گردد) مؤید این موضوع است که مدیریت وقت کانون بر موضع اسلاف خود پای می فشارد. زیرا آنچه در این تصمیم مجاز اعلام گردیده است صرفاً اعلام اسامی به طور کلی یا دادن اسم، شماره تلفن و نشانی است نه چیز دیگر.

به عبارت دیگر با توجه به اینکه منظور از تبلیغ به کار بردن عباراتی است که جنبه دعوت از مشتری داشته هدف از آن رقابت با همکاران باشد، نه صرف اعلام نام و نشانی و شماره تلفن آن هم در یک سیستم تصویری که اشخاص علاقمند به پیدا کردن شخص مورد نظر خود، مانند کتابچه اسامی وکلا، به آن رجوع می کنند، می توان گفت تصمیم مورخ ۸۱/۳/۸ نه تنها در مقام تجویز تبلیغ نبوده است، بلکه مفهوماً آن را غیر مجاز دانسته است.

بنابر آنچه توضیح داده شده، نظر دادسرا نسبت به آرا متهافت موضوع بحث به شرح زیر اعلام می گردد:

● نظر دادسرا:

با توجه به زمینه تاریخی ممنوعیت تبلیغ برای وکلای دادسرا و تأسیس کانون تاکنون به صورت عرف خاص و با عنایت به اینکه بخشنامه شماره ۱۶۵ کانون صراحتاً تبلیغ برای وکیل دادگستری را ممنوع کرده است و مصوبه مورخ ۸۰/۳/۸ هیأت مدیره کانون نیز مفهوماً دلالت بر این ممنوعیت دارد و از آنجایی که هنوز برای وکالت در ایران در زمینه‌های مختلف مانند امور حقوقی، جزایی، خانواده، اطفال، مالیاتی، بیمه‌انکاری و... ضوابط و مقرراتی وضع نگردیده است که اشخاص بتوانند خود را متخصص در یک یا چند رشته از این قبیل دعاوی معرفی کنند به طوری که بتوان اطلاع‌رسانی در مورد تخصص‌های مختلف حقوقی را به عنوان یک نیاز در سطح جامعه مطرح ساخت و چنانچه اباحه‌گری در امر تبلیغ در تصمیمات دادسرا و دادگاه‌ها شایع گردید تنها آن دسته از وکلایی که شایستگی کمتری برای انجام خدمات حقوقی دارند از این وسیله برای جلب موکل استفاده خواهند کرد زیرا وکلای با صلاحیت همواره خود را بی‌نیاز از تبلیغ می‌دانند به طرز دادسرای انتظامی وکلای صادره در پرونده کلاسه ۱۶۹/۲۵ منطبق بر موازین و مقررات است.

رأی مورخ ۸۲/۹/۳۰ هیأت عمومی دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز در مورد ممنوعیت تبلیغ توسط وکیل دادگستری (به اتفاق آراء)

هر چند به عنوان «تبلیغ» تخلفی در آیین‌نامه تخلفات انتظامی وکلای دادگستری پیش‌بینی نشده است لیکن با بکارگیری «اعمال و رفتار منافعی شئون وکالت» در بند یک ماده ۸۰ آیین‌نامه که جنبه عام دارد، تشخیص مصادیق این گونه اعمال و رفتار و تطبیق آن با ماده مذکور با دادگاه‌ها می‌باشد. لذا رأی شماره ۱۶۹ مورخه ۷۶/۴/۱۹ شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز تا آن حد که تبلیغ را تخلف انتظامی تلقی کرده است صحیح و مورد تأیید است.

ب) گزارش مربوط به دو رأی متهاافت در مورد حدود تأثیر احکام جزایی در احکام انتظامی دادگاه انتظامی

ریاست محترم هیأت عمومی دادگاه‌های انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز احتراماً، به استحضار می‌رساند: برابر قسمتی از مفاد رأی مورخ ۸۲/۱/۲۶ ثبت

شده تحت شماره ۴۰۹۵ مورخ ۸۲/۲/۳۰، اصداری در پرونده کلاسه ۲۸/۸۱ شعبه پنجم دادگاه انتظامی وکلای کانون مرکز آقای... وکیل پایه یک دادگستری، با تبعیت از رأی قطعی مرجع قضائی، مبنی بر برائت وکیل دادگستری از اتهام کیفری انتسابی (معاونت در جرم مخفی کردن ادله جرم سرقت موضوع ماده ۵۵۴ قانون تعزیرات اسلامی) بدین عبارت (... نظر به اینکه آقای... از اتهام انتسابی دادگاه کیفری، تبرئه شده‌اند و رأی صادره در دادگاه تجدیدنظر نیز تأیید و قطعی گردیده، لذا رفتار خلاف شئون وکالت، مندرج در کیفرخواست، از ناحیه متشکی عنه، احراز نمی‌شود...) مفهوماً از تخلف انتسابی برائت حاصل کرده است و برابر مفاد رأی مورخ ۷۸/۶/۹ ثبت شده تحت شماره ۱۱۵۰۲ مورخ ۷۸/۷/۱۴ اصداری در پرونده کلاسه ۵۶/۷۷ شعبه دوم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز، آقای... وکیل پایه یک دادگستری، با عدم تبعیت دادگاه انتظامی موصوف از رأی قطعی مرجع قضائی مبنی بر محکومیت وکیل به تحمل ۹۱ روز حبس تعزیری (که در مرجع تجدیدنظر اجرای آن به مدت ۲ سال معلق گردیده است) بدین عبارت (... اساساً جملات مندرج در نامه مذکور که نشر اکاذیب تلقی شده محمول بر نظر قضائی بوده و بعلاوه مشارالیه به عنوان نقل قول و به استناد اظهارات شاهد، چنین جملاتی را نوشته است که به نظر این دادگاه ادامه وکالت مشارالیه منافی شئون وکالت نمی‌باشد، لهذا برائت او را در مورد تخلف انتسابی اعلام می‌دارد) برائت یافته است.

نظریه: همان طوری که ملاحظه می‌فرمایید: دو فقره آرا صادره از شعب پنجم و دوم دادگاه انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز متهافت می‌باشند، بدین نحو که شعبه پنجم از رأی قطعی مرجع قضائی در احراز رفتار خلاف شئون وکالت، تبعیت کرده است. و لیکن شعبه دوم دادگاه انتظامی علی‌رغم صدور حکم بر محکومیت کیفری آقای وکیل متشکی عنه، از رأی مزبور تبعیت نکرده است و نتیجتاً آرای مذکور از حیث تبعیت یا عدم تبعیت از آرا قطعی محاکم قضائی در رسیدگی به تخلفات انتظامی وکلا متهافت است، که تقاضای طرح موضوع در هیأت عمومی دادگاه‌های انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز می‌گردد و نظریه دادرسی انتظامی کانون وکلای مرکز بدین شرح است: مقدمتاً جهت تشحیذ ذهن محترم اعضا، قوانین مصوب پس از پیروزی انقلاب

اسلامی به ترتیب تاریخ تصویب، مرتبط با محکومیت‌های قضائی به شرح ذیل، مرور و بیان می‌گردد:

۱. قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزائی مصوب ۱۳۶۶/۷/۲۶

ماده واحده: مراد از محکومیت‌های مؤثر کیفری در قوانین جزایی مصوب مجلس شورای اسلامی عبارت است از:

الف) محکومیت به حد ب) محکومیت به قطع یا نقص عضو ج) محکومیت لازم‌الاجرا به مجازات حبس از یک سال به بالا در جرائم عمدی د) محکومیت به جزای نقدی به مبلغ دو میلیون ریال و بالاتر ه) سابقه محکومیت لازم‌الاجرا دو بار یا بیشتر به علت جرم‌های عمدی مشابه با هر میزان مجازات. جرم‌های سرقت، کلاهبرداری، اختلاس، ارتشا، خیانت در امانت جز جرم‌های مشابه محسوب می‌شوند.

۲. ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۷

محکومیت قطعی کیفری در جرائم عمدی به شرح ذیل، محکوم‌علیه را از حقوق اجتماعی محروم می‌کند و پس از انقضا مدت تعیین شده و اجرای حکم رفع اثر می‌گردد:

۱) محکومان به قطع عضو در جرائم مشمول حد، پنج سال پس از اجرای حکم ۲) محکومان به شلاق در جرائم مشمول حد، یک سال پس از اجرای حکم ۳) محکومان به حبس تعزیری بیش از سه سال، دو سال پس از اجرای حکم.

تبصره یک - حقوق اجتماعی عبارت است از حقوقی که قانونگذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو و حاکمیت آن منظور کرده و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح می‌باشد از قبیل: ... و - وکالت دادگستری و ...

تبصره دو - چنانچه اجرای مجازات اعدام به جهتی از جهات متوقف شود در این صورت آثار تبعی آن پس از انقضای هفت سال از تاریخ توقف اجرای حکم رفع می‌شود. تبصره سه - در مورد جرائم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی اجرای مجازات متوقف شود، اثر محکومیت کیفری

زایل می‌گردد.

تبصره چهار - عفو مجرم موجب زوال آثار مجازات نمی‌شود مگر اینکه تصریح شده باشد.

تبصره پنج - در مواردی که عفو مجازات، آثار کیفری را نیز شامل می‌شود، همچنین در آزادی مشروط، آثار محکومیت پس از گذشت مدت مقرر از زمان آزادی محکوم علیه رفع می‌گردد.

● توضیح: برابر بند (ج) ماده ۲ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب سال ۱۳۷۶ یکی از شرایط متقاضیان پروانه کارآموزی وکالت، نداشتن پیشینه محکومیت مؤثر کیفری می‌باشد و ماده ۱۷ قانون استقلال بیان می‌دارد: «از تاریخ اجرای این قانون هیچ وکیلی را نمی‌توان از شغل وکالت معلق یا ممنوع کرد مگر به موجب حکم قطعی دادگاه انتظامی».

ماده ۷۳ آیین‌نامه قانون استقلال بیان داشته (چنانچه نسبتی که به شخص مورد تعقیب داده شده متضمن جنبه کیفری باشد که تفکیک آن از جنبه انتظامی ممکن نیست، رسیدگی انتظامی موکول به فراغ از جنبه کیفری در مراجع عمومی خواهد شد).

ماده ۸۷ آیین‌نامه قانون استقلال نیز بیان داشته «در صورتی که نسبت به وکیلی به اتهام ارتکاب جنحه یا جنایت، کیفرخواست صادر شود، دادستان باید رونوشت آن را به کانون بفرستد و از طرف کانون به دادگاه انتظامی وکلا رجوع می‌شود و در صورتی که دادگاه دلایل را قوی و ادامه وکالت وکیل را منافی با شئون وکالت تشخیص دهد، حکم تعلیق موقت او را صادر می‌کند و حکم مزبور موقتاً قابل اجرا است و مفاد آن به دادگاه‌ها ابلاغ می‌شود و در مورد محکومیت قطعی وکیل به ارتکاب جنایت مطلقاً، در مورد جنحه‌هایی که به تشخیص دادگاه انتظامی وکلا، ادامه وکالت منافی شئون وکالت است، محرومیت وکیل از شغل وکالت در روزنامه رسمی و مجله...».

تبصره یک الحاقی مصوب ۸۱/۷/۳۰ به ماده ۲۰ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، رسیدگی به جرائمی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو یا قصاص نفس یا اعدام یا رجم یا صلب و یا حبس ابد باشد، را در صلاحیت دادگاه کیفری استان که قائم مقام دادگاه‌های جنایی سابق می‌باشد، قرار داده است که به نظر می‌تواند قرینه بر

تشخیص مصادیق محکومیت‌های جنایی موضوع جنایت مندرج در ماده ۸۷ آیین‌نامه قرار گیرد و در دیگر موارد محکومیت‌ها با استفاده از قاعده تفسیر به نفع متهم به تشخیص دادگاه‌های انتظامی، رجوع گردد.

● نتیجه:

■ اولاً؛ کلیه محکومیت‌های قضائی ناشی از جرایم غیر عمدی (با هر میزان مجازات) و همچنین مطلق یک بار محکومیت به یک سال حبس و کمتر در جرایم عمدی و همچنین مطلق یک بار محکومیت به جزای نقدی به مبلغ دو میلیون ریال، اساساً از نظر قانونگذار محکومیت مؤثر جزایی و سابقه تلقی نشده است، اگرچه بنابه تشخیص این گونه موارد می‌تواند از مصادیق رفتار و اعمال خلاق شتون وکالت، تلقی و قابلیت تعقیب انتظامی را داشته باشد.

■ ثانیاً؛ پس از اجرای حکم محکومیت‌های جزایی و انقضای مدت مقرر در ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی (با لحاظ تبصره‌های آن) به موجب قانون مذکور، آثار آن رفع شده و به گونه‌ای که محکوم علیه اعاده حیثیت می‌یابد، که بدیهی است در صورت رفع، نمی‌تواند به عنوان سابقه محکومیت جزایی مؤثر، مورد استناد قرار گیرد. لیکن در هر حال مورد می‌تواند از مصادیق اعمال و رفتار خلاف شأن تلقی شود، بنا علیهذا به نظر دادسرای انتظامی، رأی صادره از شعبه دوم دادگاه انتظامی به شماره ۱۱۵۰۲ مورخ ۱۴/۷/۷۸ اصداری در پرونده کلاسه ۵۶/۷۷ که تبعیت را به نحو اطلاق از رأی قطعی مرجع قضائی نموده است منطبق با موازین قضائی تشخیص می‌گردد.

● رأی هیأت عمومی دادگاه‌های انتظامی وکلای دادگستری مرکز ۸۲/۱۲/۲۴ در

مورد تأثیر احکام جزایی در احکام انتظامی (به اتفاق آرا)

آرای شعب پنجم و دوم دادگاه‌های انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز که هر دو بر براءت وکیل مشتکی عنه صادر شده است، هر چند به ظاهر تهافتی با هم ندارند لیکن در نحوه اعمال اختیار حاصل از ماده ۸۷ آیین‌نامه تخلفات انتظامی با هم متفاوتند. زیرا شعبه پنجم دادگاه انتظامی با وصول رأی مرجع جزایی، آن را علی‌الاطلاق در پرونده امر

مؤثر تشخیص داده و بدون ذکر این بیان رأی بر برائت وکیل مشتکی عنه صادر کرده است. اما شعبه دوم با وصول حکم محکومیت جزایی وکیل تحت تعقیب انتظامی، برای آنکه تأثیر این حکم را نفی کند، وارد رسیدگی ماهوی شده و با رد نظر قضائی مرجع عمومی جزایی، رأی بر برائت وکیل مشتکی عنه صادر کرده است در حالی که دادگاه‌های انتظامی از دادگاه‌های اداری و انضباطی است نه دادگاه عمومی هم عرض یا عالی نسبت به دادگاه‌های عمومی جزایی تا بتواند طبق مقررات پیش‌بینی شده در آیین دادرسی کیفری و با وجود موجبات قانونی وارد رسیدگی مجدد نسبت به حکام دادگاه‌های عمومی شوند علاوه بر این براساس اختیاری که ماده ۸۷ به دادگاه‌های انتظامی تفویض کرده (چه از لحاظ تأثیر آرا محاکم جزایی در پرونده‌های انتظامی و چه عدم تأثیر آن) دادگاه‌های انتظامی در صورت تشخیص عدم تأثیر آرای مذکور نیازی به ورود در ماهیت و تمسک به استدلال و اظهار نظر قضائی ندارند لذا نظر قریب به اتفاق اعضای شرکت‌کننده در هیأت عمومی دادگاه‌های انتظامی کانون وکلای دادگستری مرکز آن است که محکومیت قطعی جزایی وکیل مشتکی عنه در امور جنحه در محاکم عمومی و یا برائت وی، در پرونده انتظامی صرفاً به تشخیص دادگاه‌های انتظامی قرار داده شده و لاغیر.